

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۲۴ اپریل ۲۰۱۷

فضیلت و فلسفه نماز جمعه و کشتار مسلمانان در این روز!

روزی، در ایام جوانی از ملائی که در وقت صرف نان بعد از مجلس فاتحه ای در صدر مجلس در منزل فاتحه دار نشسته بود و خلاف همه ملا ها که در وقت نان توصیه به سکوت و توجه به غذا می کنند، ضمن خوردن غذا به آرامی از برتری های دین اسلام صحبت می نمود و چون روز جمعه بود بیشتر از فضیلت های این روز و از اهمیت و فلسفه نماز جمعه سخن می گفت، خوب به یاد دارم که اولین جمله ای را که این ملائی با تمکین و خوش لباس و مهربان و مؤدب به زبان آورد این بود:

«نماز جمعه برای کسانی که قادر به رفتن به حج نیستند، بنابر حدیثی، برابر به صواب حج است.» وقتی یکی از علاقه مندان به دانستن بیشتر فضائل نماز جمعه و سائر امور دینی از ملا در رابطه نماز جمعه و بهشت و دوزخ سوال کرد، ملا با شعفی بیش از حد از علاقه مندی آن شخص به مسائل دینی، گفت: «مطابق روایات متعدد بر کسی که همیشه، بدون عذر شرعی، برای ادای نماز جمعه در مسجد حاضر می گردد، آتش دوزخ حرام است. معنای این سخن علاوه بر حرام شدن آتش دوزخ، این است که چنین شخصی مستقیم و بدون فوت وقت به بهشت می رود. سفارش بر نماز جمعه بیشتر از همه در آیت نهم سوره مبارکه جمعه، جایی که می گوید: ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه شما را برای نماز روز جمعه بخوانند فی الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که این اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود؛ صورت گرفته است.»

تقریباً همه حضار در آن مجلس، که بیشتر مردمان خوش قلب و متدین بودند، با اشتیاق کامل و بدون حرفی در میان حرف ملا به اندرز های وی که حال بیشتر شکل خطبه دوم نماز جمعه را به خود گرفته بود و غالباً با آیات و احادیثی از پیامبر اسلام و داستان ها و حکایاتی از سائر پیشوایان و رهبران دینی همراه بود، گوش می دادند و منتهای سعی را به جای می آوردند که هیچ نوع سر و صدائی ایجاد نکنند.

ملا لقمه دیگری برداشت و با آرامی و بدون این که دهانش را زیاد باز کند آن را به درون دهن برد و با دهن بسته با آهستگی و متانت، مانند لارد های انگلیسی با نزاکت و ادبی که سر میز غذا با ملکه نشسته باشند، آهسته و با ملایمت و درنگ و تأخیر در بلعیدن، به جویدن آن شروع نمود. بعد از جویدن کامل لقمه، که احتمالاً دو تا دونیم دقیقه را در بر گرفت، لقمه را بدون صدا فرو برد. جرعه آبی نوشید و بعد از یک شکر آهسته به صحبتش چنین ادامه داد:

«نماز جمعه را فضیلت ها زیاد است. خداوند متعال بر همه جرائم کسانی که نماز جمعه را قضاء نمی کنند، قلم عفو می کشد و مرگی بدون عذاب موقع جان دادن نصیب شان می سازد. نماز جمعه سبب قوت قلب می گردد؛ به طوری که از هیچ انسانی و از هیچ چیزی نمی ترسد. حتا از صور اسرافیل که برای میراندن و زنده ساختن دو باره انسان در روز محشر دمیده می شود و از هول آن و هول قیامت، که زنان حامله در آن روز از ترس بچه ضایع می کنند، هم ترسی احساس نمی نمایند.

در فضیلت نماز جمعه شاید همین بس باشد، که در قرآن، کتاب و کلام الهی، سوره ای به این نام گنجاییده شده است. نماز جمعه مبدای همه الطاف و برکات خداوندی بر مسلمانانی است، که به این نماز پایبند اند. پیوندی است میان نماز خوان و خدای مهربان. بر همه مسلمانان فرص است، که به این سنت الهی پایبند باشند و به اقامه آن اهتمام بورزند. همه مسلمانان وظیفه دارند که برای رونق این روز و وحدت و قوت مسلمانان، که یگانه فلسفه نماز جمعه است، بکوشند و نگذارند نماز جمعه شان ضایع شود و اهمیت و رسالتش را از دست بدهد و...»

امروز، که پنجاه و دو سال از آن روز گذشته است، هنوز هم سخنان آن ملا را، که بیشتر از آن بود که گفته شد، به خاطر دارم و زمانی که خبر حمله طالب در وقت نماز جمعه بر مسجدی در درون قول اردویی در ولایت بلخ را شنیدم، به این فکر رفتم که اگر این همه سخنان واقعاً سخنان خدا و رسول خدا است و طالب، که باید از همه اهمیت و فضیلت نماز جمعه و واجب بودن آن بر هر مسلمان واقف باشد، و بداند که هم خدا و هم پیامبر و سائر دوستان خدا و پارسیان و فقها به مواظبت و سعی و کوشش در انجام دادن آن تأکید فرموده اند و بداند که مسجد، که خانه خدا پنداشته می شود، چقدر مقدس و مطهر است، چرا به کشتن کسانی دست می زند که در چنین روزی مبارک و مهم از نظر مسلمانان برای ادای نماز چنان واجب به مسجد، پاکیزه ترین مکان برای مسلمانان می روند تا مناسکی را که خداوند "معیاری برای تقرب مسلمانان به خود" خوانده است، به جا بیاورند؟

کشتن بیشتر از یک صد و چهل انسانی که سر در سجده دارند و می خواهند امر خدای شان را، که باید خدای طالب هم باشد، اجراء کنند، آن هم در مسجد و به روز جمعه و زخمی ساختن یک صد و شصت نفر دیگر از چه اعتقادی سرچشمه می گیرد؟ از اسلام؟!

اگر از اسلام منشاء می گیرد، به چه دلیل باید از چنین دینی، که دستور قتل کسانی را می دهد، که می خواهند اوامر خدای همین دین را به جا آورند و می خواهند از راهی که خدای همین دین نشان شان داده است به خدا و به پیامبر خدا و اسلام و قرآن تقرب بجویند، دفاع کرد؟

اگر چنین نیست و طالب اسلام را به درستی نشناخته است، چرا باید به تأیید اندیشه های طالب و به تأیید این همه جنایات هول انگیز و تکان دهند پرداخت. و چرا با سکوت در برابر این واقعه دردناک بر آن مهر تأیید زد؟

واقعیت اسلام چیست؟ احسان و ترحم و بخشش و دوستی و همدلی و معاونت و دستگیری و یابوری و دلجوئی و شفقت و رحمت و مدارا و ملاطفت و عنایت یا بستن و زدن و بردن و تندى و شدت و حدت و خشم گرفتن و کشتن و خون ریختن، آنهم در خانه خدا!!

می خواهم آنانی که هم خود از اسلام سخن می زنند، به ویژه کسی که در دریچه نظریات پورتال "افغان جرمن آنلاین" از کفر و ایمان سخن می زند، و هم از پدران مسلمان خود در ارتباط دین و ایمان و اسلام و مسلمانی حکایت و روایت می کنند و از کتاب های قدیمی و نایابی در باب دین در خانه های شان یادآوری کرده افسانه ها می بافند و دیگران را از اسلام بی خبر معرفی می کنند، پیرامون علل این دو گونه دیدن اسلام به ما معلومات بدهند، که نقص در دید مردم (بخوانید طالب و داعش و امثالهم) است، یا در منبع و جای جوشیدن افکار و اندیشه های این مردم؟؟

من می خواهم این گونه انسان ها با جواب مستدل، بدون به حاشیه رفتن ها و به موضوعات غیر اصلی پرداختن و افسانه سرانی ها و حکایت از "ادی" و "مومه" و "آپه" یا عمه و خاله یا آبا و عموی خویش با مراجعه به قرآن، مستقیم و رک و راست در این مورد که چرا یکی چنان فکر می کند و است و دیگری چنین، معلوماتی ارائه کنند و واضح و بدون "شف شف" و ملحد خواندن این و آن به ما بگویند که کدام یک از این دو - آن که دین را رحمت و شفقت می داند یا آن که دین را در خشونت می جوید - به راه غلط رفته اند؟

و اگر شرب این چشمه جوشان چنان صاف و گوارا است که گفته می شود، چرا درون این انسان ها را که از آن شرب می نوشند چنین چرک و زنگار گرفته است؟

این پرسش ها هیچ ربطی به کفر و ایمان پرسنده ها ندارند. با ملحد خواندن مردم افکار دیگران را از موضوع منحرف نکنید. همه این پرسش ها، پرسش هائی هستند که ذهن وقاد و جست و جو گر مردم برای آن ها جواب می طلبند. با ملحد خواندن مردم نه به پرسش های مردم پاسخ گفته می شود و نه ابهامات موجود رفع می گردد.

سال ها است، که این دور باطل ادامه دارد. یکی سؤال می کند و دیگری، چون توان جواب گفتن ندارد، ملحد و کافر می خواند. بالاخره این مشکل چگونه باید حل گردد. با کشتن مردم هم این معضله حل نمی شود؛ زیرا اگر کشتن راه حل می بود، با کشتار های بی شمار، قرن ها پیش این مشکل حل می شد.

از جانبی اعتقادی که به قوت و درستی خود مطمئن است و می تواند درستی خود را با استدلال محکم و موثق و مطمئن به اثبات برساند، چه احتیاجی به شدت عمل و زور گفتن دارد؟

شاید ملحد خواندن دیگران برای انسان های احساساتی که بدون تعمق به دین، دین را پذیرفته اند، جالب و نغز و دلنشین باشد، اما اصل مشکل کسانی را که عادت به اندیشیدن و تشخیص حق از باطل یا باطل از حق دارند، حل نمی کند.

فراموش نکنید که وجود این گونه پرسش ها در طول تاریخ ادیان، با همه خشونت هائی که وجود داشته است، صرف برای این است، که کسی به آرامی و از راه گفت و گوی سالم و معقول و جامع به این پرسش ها جواب نگفته است. همیشه زور گفته اند و همیشه نظریات خود را بدون ارائه دلیل استوار و قانع کننده تحمیل کرده اند!!

خلاصه، اگر طالب به راه غلط و ناصواب رفته است، چرا شما از کار غلط و ناصواب طالب با گفتار صریح، با جرح و تعدیل، با تصویر سازی، با بازی با کلمات، با تعبیر و بالاخره با سکوت شرم آلود دفاع می کنید و یک حرفی هم در تقبیح یا محکومیت آن بر زبان نمی آورید؟! آیا این گونه جنایات طالب، یا هر کس دیگری قابل تقبیح نیست؟

۲۰۱۷/۰۴/۲۳